

نویسنده: متیو ایهرت «Mathew Ehret» .
منبع و تاریخ نشر: کریدل «2025-07-11» .
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

چرخش ایران به سمت اوراسیا، کلید جلوگیری از جنگ جهانی سوم است

Iran's Eurasian pivot is the key to averting WWIII

جاه‌طلبی‌های امپریالیستی واشنگتن و تعصب تل‌آویو، جهان را تا
آستانه نابودی هسته‌ای پیش برده است. اما ادغام ایران در محور
اوراسیا، یک راه خروج حیاتی برای بشریت فراهم می‌کند.

*Washington's imperial ambitions and Tel Aviv's fanaticism have
pushed the world to the brink of nuclear annihilation . But Iran's
integration into the Eurasian axis offers humanity a vital off-ramp.*



Photo Credit: The Cradle

جهان اکنون در لبه پرتگاه هسته ای تلوتلو «لرزه ویا تکان» می خورد و اگر تنها به دسیسه های آمریکا و دولت اشغالگر اسرائیل واگذار می شد، مدت ها پیش در جهنم فرو رفته بودیم .

پیش از حمله مشترک آمریکا و اسرائیل به ایران، جهان در آستانه حل بحران برنامه هسته ای جمهوری اسلامی بود . در (9) جون، روسیه و ایران توافق نامه جدید و گسترده ای را امضا کردند که نه تنها هدف آن بازسازی معماری انرژی غرب آسیا، بلکه ارائه یک راه خروج حیاتی از مسیر جنگ بود .

هشدار نهایی روسیه به امپراتوری

این توافق شامل ساخت حداقل هشت رآکتور اتمی جدید توسط شرکت روس اتم روسیه در ایران است . محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران، اظهار داشت: «ما با روسیه قراردادی برای ساخت هشت نیروگاه هسته ای در ایران داریم که چهار مورد از آنها در بوشهر خواهد بود.»

این پروژه عمدتاً نتیجه پیمان جامع استراتژیک ۲۵ ساله روسیه و ایران است که در ۲۱ مه توسط مجلس ایران تصویب شد و توسط روسیه تأمین مالی خواهد شد و بیش از ۱۰ گیگاوات (GW) انرژی به ایران ارائه می دهد . طبق برنامه های فعلی، ایران قصد دارد «ظرفیت انرژی هسته ای را تا سال ۲۰۴۱ به ۲۰۰۰۰ مگاوات (۲۰ GW) افزایش دهد.»

این توافق چند روز پس از آن صورت گرفت که مسکو پیشنهادی برای نجات مذاکرات هسته ای متوقف شده ایالات متحده و ایران با حذف اورانیوم غنی شده از خاک ایران و تبدیل آن به سوخت برای رآکتورهای غیر نظامی ارائه داد .

سرگئی ریابکوف، معاون وزیر امور خارجه روسیه، در ۱۱ ژوئن اعلام کرد: «ما آماده ایم تا نه تنها از نظر سیاسی، نه تنها در قالب ایده هایی که می توانند در روند مذاکرات مفید باشند، بلکه از نظر عملی نیز به واشنگتن و تهران کمک کنیم . به عنوان مثال، از طریق صادرات مواد هسته ای اضافی تولید شده توسط ایران و تطبیق بعدی آن با تولید سوخت برای رآکتورها.»

با این حال، این ابتکار عمل، آخرین اقدام حسن نیت مسکو بود . همانطور که روزنامه «کریدل» گزارش داد، مسکو حملات بعدی آمریکا و اسرائیل به ایران را خیانتی بزرگ دانست و عملاً به هرگونه توهمی مبنی بر اینکه واشنگتن به دنبال راهحلی مسالمت آمیز است، پایان داد . مقامات روسی، که از این تجاوز غافلگیر شده بودند، از آن زمان تصمیم گرفته اند نقش خود را به عنوان میانجی کنار بگذارند و قاطعانه در کنار تهران در برابر تشدید بیشتر تنش توسط غرب بایستند .

پس چرا اسرائیل و ایالات متحده این لحظه را برای تشدید تنش انتخاب می‌کنند؟ پاسخ روشن است: برنامه هسته‌ای ایران هرگز مسئله نبود.

در قلب محاسبات تل‌آویو، چالش جسورانه جمهوری اسلامی در برابر نظم صهیونیستی و امپراتوری قرار دارد. ایران فراتر از حمایت خود از جنبش‌های مقاومت، با ایجاد اتحادهای اقتصادی و استراتژیک اوراسیا که هژمونی دلار را دور می‌زنند و اهرم فشار ایالات متحده را تضعیف می‌کنند، نقش بسیار بزرگی در فرسایش قدرت غرب ایفا کرده است

این تهدیدات سیستماتیک، همراه با امتناع تهران از تسلیم شدن در برابر پروژه اسرائیل بزرگ - یک مأموریت آخرالزمانی برای بازسازی معبد سلیمان و ایجاد نظم نوین جهانی - ایران را به مانعی سرسخت در برابر طرح‌های غربی در غرب آسیا تبدیل کرده است.

ایران نه تنها ستون ثبات منطقه‌ای است، زیرا از سال ۱۷۳۶ هیچ جنگی را آغاز نکرده و در مواجهه با دهه‌ها تحریک غرب، صبر فوق‌العاده‌ای از خود نشان داده است. بلکه به محور اصلی ادغام اوراسیا تبدیل شده است و هم ابتکار کمربند و جاده شرق-غرب (BRI) و هم کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال-جنوب (INSTC) را تقویت می‌کند.

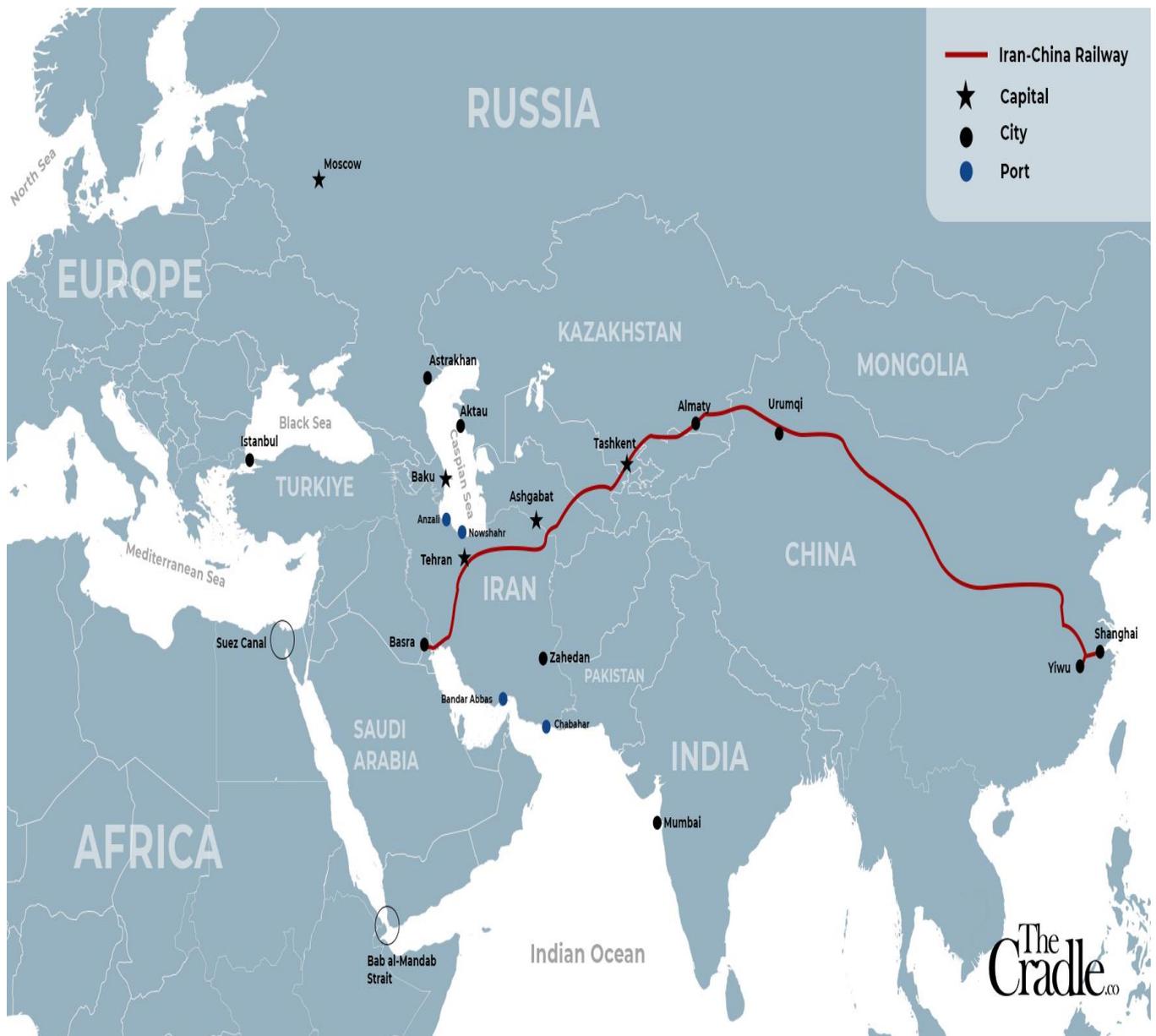


نقشه مسیر، راه‌آهن‌ها و آبراه‌های متصل‌کننده شرق به اروپا (INSTC)

راه آهن به عنوان شریان آینده چندقطبی :

در 24 مه، یک کریدور ریلی جدید (8400 کیلومتری که شی آن چین را به بندر خشک آپرین ایران متصل می‌کند، افتتاح شد. این خط ریلی که «انقلاب خاموش» در اتصال متقابل نامیده می‌شود، 16 روز از مسیرهای دریایی سنتی را کاهش می‌دهد و یک شریان حیاتی در طرح کمر بند و جاده را تثبیت می‌کند و به طور یکپارچه با کریدور شمال-جنوب متصل می‌شود.

وانگ ونبین، دیپلمات چینی، به درستی آن را «یک برد-برد برای صلح، توسعه و همکاری» توصیف کرد. قطار به ایران، قطار به آینده است



نقشه راه آهن چین و ایران

همانطور که ریتو شارما در روزنامه اوراسیا تایمز اشاره کرد، «بدون حضور نظامی ایالات متحده در امتداد خط آهن، تهران میتواند بدون چشمان کنجکاو و اشنگتن، نفت صادر و کالا از پکن وارد کند»

فراتر از چین، ارتباطات ریلی احیا شده ایران با پاکستان و ترکیه - که دومی در سال ۲۰۲۲ پس از یک دهه وقفه دوباره فعال شد - یک کریدور ۵۹۸۱ کیلومتری را تشکیل می‌دهد که کالاها را از استانبول به اسلام آباد تنها در ۱۳ روز منتقل می‌کند، که از ۳۵ روز مورد نیاز از طریق دریا کمتر است. گسترش این کریدور به منطقه سین کیانگ چین در حال حاضر در حال انجام است



نقشه راه آهن پاکستان-ایران-ترکیه

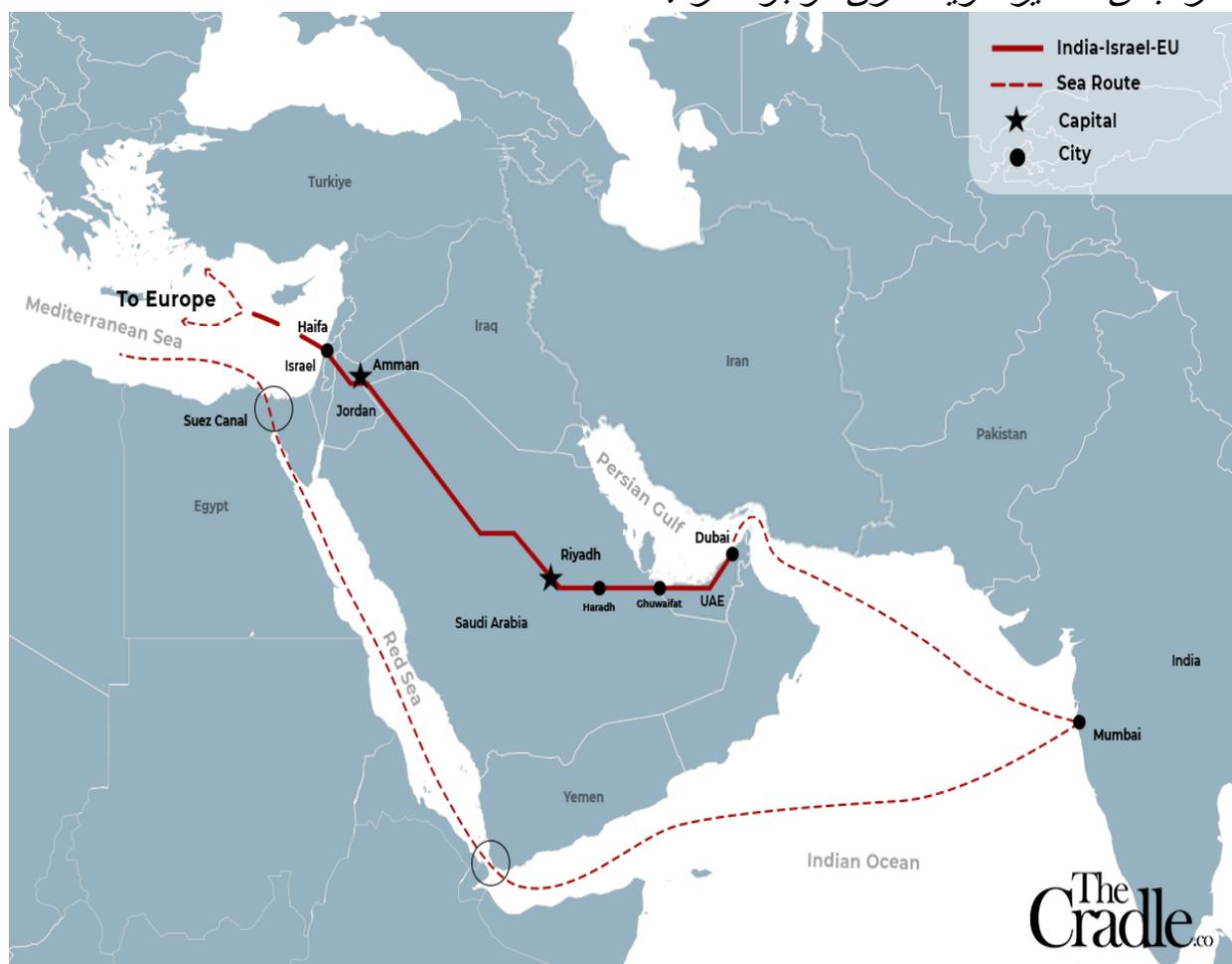
ارتقاء استاندارد خطوط ریلی در پاکستان و ساخت و سازهای مداوم در بخش ایران-پاکستان، زیرساخت‌های ریلی منطقه ای را بیش از پیش یکپارچه می‌کند. در همین حال، کریدور شمال-جنوب (INSTC) که در سال ۲۰۰۱ توسط روسیه، ایران و هند مطرح شد، سرانجام با بیش از دوازده شرکت کننده فعال در دوسوی دریای خزر و از جمله خطوط دریایی چندوجهی در خود دریای خزر، در حال به ثمر رسیدن است.

یک خط تازه عملیاتی که پاکستان، ایران، ترکمنستان، قزاقستان و اولیانوفسک روسیه را به هم متصل می‌کند، اکنون تجارت مستقیم انرژی و کالاهای صنعتی را امکان‌پذیر می‌کند و در عین حال دسترسی به بازارهای آسیای میانه را گسترش می‌دهد.

در جنوب، برنامه‌هایی برای گسترش بندر چابهار ایران از طریق یک اتصال ریلی ۷۰۰ کیلومتری به زاهدان - که دسترسی تجاری حیاتی را برای افغانستان محصور در خشکی فراهم می‌کند - قرار است در سال ۲۰۲۶ تکمیل شود. با این حال، امتناع چابلسانه دهلی نواز محکوم کردن تجاوز ایالات متحده و اسرائیل، آینده این پروژه را تحت الشعاع قرار داده است.

IMEC و توهمات امپراتوری در مقایسه با این کریدورهای اوراسیا که بازی را تغییر می‌دهند، کریدور هند-خاورمیانه-اروپا (IMEC) که توسط ایالات متحده حمایت می‌شود و در سال ۲۰۲۳ راه‌اندازی شد، یک نمایش ژئوپلیتیکی است.

در حالی که چین چشم‌انداز خود را با بانکداری ملی قوی و زیرساخت‌های واقعی پشتیبانی می‌کند، کنسرسیوم IMEC - به رهبری هند، اسرائیل و اتحادیه اروپا - در دو سال هیچ چیز ملموسی نساخته است. این کنسرسیوم بدون مکانیسم‌های اعتباری، برنامه‌ریزی انرژی یا لجستیک در مقیاس بزرگ، عمدتاً به عنوان یک ترفند بازاریابی، در لباس "مسیر ادویه مدرن" وجود دارد.



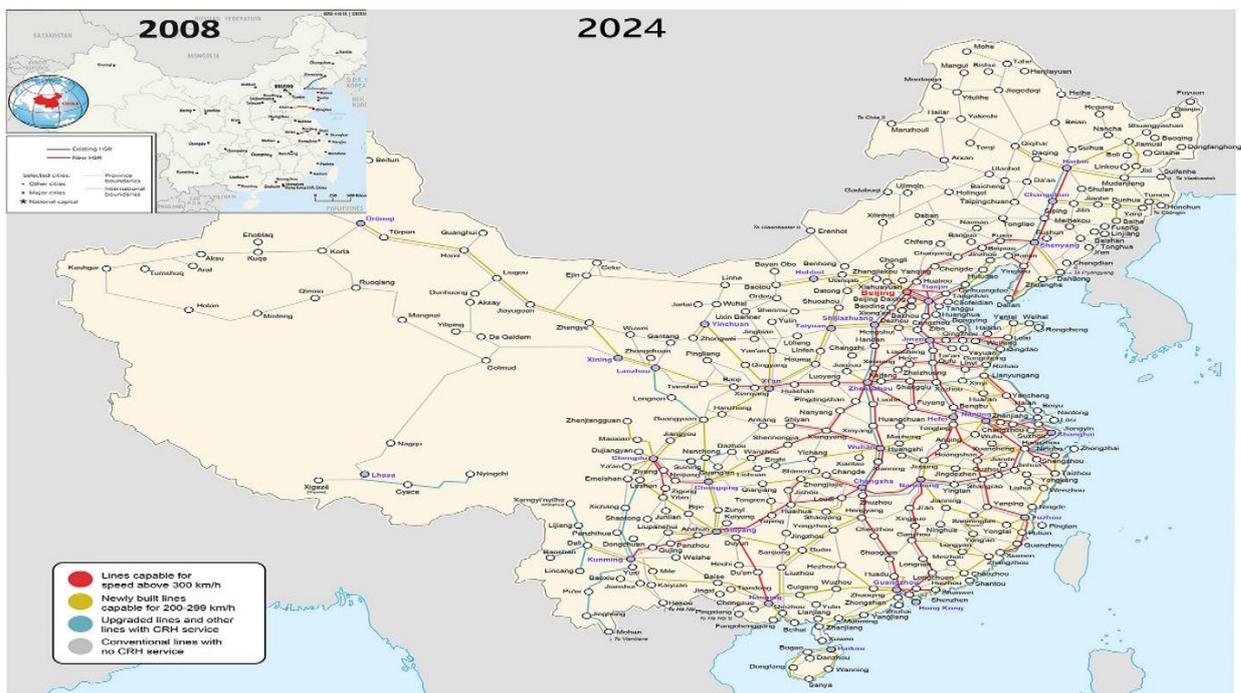
نقشه کریدور هند-خاورمیانه-اروپا (IMEC)

این پروژه شکست خورده به صف طولانی از طرح‌های مشابه کمربند و جاده به رهبری غرب، از «ابتکار کمربند سبز» گرفته تا «بازسازی دنیای بهتر»، «مشارکت برای زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری جهانی» به ارزش ۶۰۰ میلیارد دلار و «دروازه جهانی» به ارزش ۳۰۰ میلیارد یورو (۳۲۷ میلیارد دلار) می‌پیوندد. همه به یک دلیل فرو ریختند: ناتوانی ساختاری غرب در ساخت و ساز.

پس از دهه‌ها صنعت‌زدایی، وابستگی به نیروی کار ارزان و سرمایه‌داری کازینویی، اقتصادهای فرآتلانتیک دیگر نمی‌توانند بدون تکیه بر نابودی کشورهای ضعیف‌تر برای حفظ سلطه تک‌قطبی، تولید، ساخت یا استراتژی داشته باشند.

بریکس+ و نظم اقتصادی نوین

در تضاد کامل، کشورهای بریکس+ میراث متفاوتی را به ارمان می‌آورند. چین به تنهایی بیش از ۴۲۰۰۰ کیلومتر راه‌آهن پرسرعت، از جمله تنها راه‌آهن مگلوئی کاربردی جهان، و ده‌ها شهر پیشرفته را در عرض دو دهه ساخته است



Railway map of People's Republic of China
Source: Brilliant Maps, Lawrence, Martha; Bullock, Richard; Liu, Ziming

نقشه ایکه گسترش سریع شبکه راه‌آهن چین بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۴، از جمله توسعه خطوط ریلی پرسرعت در سراسر کشور را نشان می‌دهد

این کشور در محاسبات کوانتومی، علوم فضایی و انرژی هسته‌ای پیشرو است - و قصد دارد تا سال ۲۰۳۵، ۱۵۰ راکتور جدید بسازد. نهادهای دولتی آن، برخلاف غرب فاقد نظارت، کنترل خود را بر بخش خصوصی حفظ کرده‌اند.

چین، همراه با روسیه، انتقال فناوری واقعی و مدل‌های توسعه مشارکتی را به کشورهای فقیرتر ارائه می‌دهد و آنها را قادر می‌سازد تا اقتصادهای کاملاً مستقل و فراگیر بسازند.

در همین حال، سیستم دلار آمریکا، که توسط حساب مشتقات ۱/۲ کوادریلیون دلاری پشتیبانی می‌شود، به فروپاشی نزدیک می‌شود. سیستم جدیدی در راه است. سوال این است: چه کسی آن را طراحی خواهد کرد و به نفع چه کسی است؟

روسیه و چین به روشنی اعلام کرده‌اند که در کنار ایران ایستاده‌اند، تجاوز اسرائیل را محکوم کرده و خواستار کاهش تنش شده‌اند. حتی دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، حداقل با گفتن اینکه "حداقل دو هفته صبر می‌کند" قبل از اقدام، به خویشتنداری اشاره کرده و به سمت دیپلماسی جدید اشاره کرده است.

دوراهی اعراب: چندقطبی یا بردگی

موفقیت تا حدودی به عزم کشورهای غرب آسیا، آسیا-اقیانوسیه و آفریقا بستگی دارد که همچنان در اردوگاه‌های تک‌قطبی و چندقطبی قرار دارند. در سال‌های اخیر، ایران با کشورهای سنی مانند عربستان سعودی، امارات متحده عربی، ترکیه، کویت و مصر، روابط حسنه‌ای برقرار کرده و امیدهایی را برای ایجاد یک ائتلاف اسلامی مبتنی بر هدف مشترک تمدنی ایجاد کرده است. اما آیا می‌توان به آنها اعتماد کرد؟ از بشا را سد، معمر قذافی یا صدام حسین بپرسید.

ارزیابی هر کس هرچه باشد، زمان آن فرا رسیده است که غرب جمعی، کفاره جنایات امپریالیستی خود را بپردازد. ایران با خون و حاکمیت خود بهای سنگینی پرداخته است و رهبران تل‌آویو ممکن است بیش از هر دشمنی در تاریخ، به آینده یهودیت - و بقای خود دولت اشغالگر - آسیب وارد کرده باشند.

با فرض اینکه از جنگ هسته‌ای جلوگیری شود، اتحاد چندقطبی اکنون باید برای بقا تلاش مضاعف کند، یک اقتصاد یکپارچه جدید را مستحکم کند و پایه‌های خود را در یک همکاری پایدار با ایران محکم کند.

اگر کشورهای جنوب جهان که در موضع خود مردد هستند، نتوانند اصول، حاکمیت و چشم‌انداز بلندمدت را به بردگی در برابر امپراتوری ترجیح دهند، آنگاه مسیر رسیدن به آینده‌ای عادلانه و پساامپراتوری ممکن است به طرز خطرناکی دور از دسترس باقی بماند.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

اومیگوید: من روزنامه نگار، مدرس و بنیانگذار Canadian Patriot Review (www.canadianpatriot.org)، متخصص BRI در Tactical Talk و پژوهشگر

ارشد در دانشگاه آمریکایی مسکو هستم. آثار من در *Strategic* ، *RT* ، *Global Times* ، *21st Century Science and Technology* ، *Asia Times* ، *Culture Foundation* ، *Los Angeles Review of Technology* منتشر شده است



ماتیو اهریت

«2025-07-19» با احترام

.....